

نظر اجمالی به توقیعات حضرت شوقی ربانی در مرحله دوم دوران ولایت (سال‌های ۱۹۲۹ - ۱۹۴۱)

شاپور راسخ

گرچه به شهادت بیوگرافی‌های معتبر، حضرت شوقی ربانی انتظار تصدی ولایت امر الهی را نداشتند اما همه قرائن حکایت از آن می‌کند که هم از ابتداء بالهام الهی می‌دانستند که وظائف خود را چگونه آغاز کنند و به کدام جهت معطوف دارند. بسط و توسعه امر الهی در سراسر عالم بموجب مندرجات الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء بدون وجود تشکیلات محکم و موثق بس دشوار بلکه غیرممکن بود. علی‌هذا سالهای ۱۹۲۲-۱۹۳۲ را چنان که در سال پیش گفتیم در مرحله نخست اختصاص به ایجاد و تقویت نظم اداری بهائی فرمودند. در مرحله دوم دوران ولایت که باعتقاد گوینده سالهای ۱۹۲۹-۱۹۴۱ را دربر می‌گیرد هیکل مبارک کوشیدند که هدف و مقصد نظم اداری را که استقرار مبانی نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاء‌الله بود بر پیروان این آئین روشن و مشخص کنند و در عین حال توجه دهند که وضع کنونی دنیا چگونه است و چطور از درون نظم آشفته یا بی‌نظمی کنونی باید بنای استوار نظم جهان‌شمول آینده را بتدریج مرتفع کرد (ر.ک. رساله روز موعود فرا رسید). و البته حرکت جامعه به سوی آن آینده تابناک از یک سو تحکیم ارکان میثاق را اقتضاء می‌کرد، که رساله دور بهائی در آن سهمی بسزا داشت، و از سوی دیگر پرورش ملکات اخلاقی را در مبلغان، مهاجران، و قاطبه اهل بهاء ایجاب می‌نمود، که رساله ظهور عدل الهی راهنمای آن می‌توانست باشد. و باین ترتیب چهار توقیع مهم حضرت ولی امرالله در فاصله

۱۲ سال (۱۹۲۹-۱۹۴۱)، یعنی نظم جهانی حضرت بهاء‌الله - ظهور عدل الهی - دور بهائی - و قد ظهر يوم الميعاد، حاوی و حامل چنین رسالتی در جامعه بهائی بودند و زمینه را برای مرحله بعدی (مرحله سوم دوران ولایت) که طرح و اجراء و نظارت بر جریان نقشه‌های گسترش امرالله در همه ممالک و قارات عالم بود هموار کردند.

در صدر توقیعات این دوره باید از نظم جهانی حضرت بهاء‌الله یاد کرد که استقرار آن بمرور زمان هدف و مقصد نظم اداری امر الهی بوده و هست. هم حضرت رب اعلیٰ بشارت به نظم حضرت بهاء‌الله داده بودند و هم حضرت بهاء‌الله که در کتاب مستطاب اقدس فرموده بودند: "قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه"، آیه‌ای که در زمان آن حضرت و حتی در عصر رسولی معنی و مفهوم آن حتی بر علمای بهائی پوشیده بود و حضرت ولی امرالله در توقیعات خود روشن فرمودند که مراد از این نظم، نظام یا سیستم عمومی عالم اعم از سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است و ربطی به حسن انتظام در کلام، چنان که باور قدما بود، ندارد.^۱ با توجه به اهمیت استثنائی و هم قدمت زمانی توقیعات نظم جهانی، سخن را با آن آغاز می‌کنیم:

۱- توقیع «نظم جهانی بهائی»

«نظم جهانی حضرت بهاء‌الله» (نظم جهانی بهائی در ترجمه فارسی) شامل ۶ توقیع مبارک است بدین قرار: نظم جهان‌آرای الهی (۱۹۲۹)؛ ملاحظاتی بیشتر در باره نظم جهان‌آرای الهی (۱۹۳۰)؛ هدف نظم بدیع جهانی (۱۹۳۱)؛ عصر ذهبی امر بهائی (۱۹۳۲)؛ و تولد مدنیت جهانی (۱۹۳۶)؛ که بر آنها باید توقیع منبع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳ در مورد آمریکا و صلح اعظم را افزود. این توقیعات را جناب

^۱ کلمه "نظم" در مقابل ordre و système بکار می‌رود که در مفهوم امروزی مجموعه یا منظومه‌ای از عناصر بهم پیوسته و مؤثر و متأثر از یکدیگر یعنی در رابطه تعاملی است که جمعاً یک کل وحدانی را تشکیل می‌دهند (ر.ک. فرهنگ فرانسوی مفاهیم فلسفی «لاروس» - نشر ۲۰۰۳ - صص ۷۷۴-۷۷۵).

هوشمند فتح اعظم ترجمه فرموده‌اند که چاپ دوم آن در سال ۲۰۱۰ توسط عصر جدید نشر شده است.

حضرت ولی امرالله در مورد این توقیعات، منابع عمده فکری خود را دو اثر مهم ذکر فرموده‌اند: ۱- کتاب مستطاب اقدس؛ ۲- الواح وصایای حضرت عبدالبهاء. و در مورد آن دو متذکر شده‌اند که "بمنزله گنجینه گران بهائی عناصر پُر بهای مدنیّت الهیه را که تأسیس آن مقصد اصلی دیانت بهائی است دربر دارند." و البته وقتی ذکر کتاب اقدس را می‌فرمایند بظنّ اقوی الواح متمم، یعنی طرازات - تجلیات - اشراقات - کلمات فردوسیة - لوح دنیا - و لوح مقصود را که نظام آینده جهان در آن‌ها ارائه شده نیز منظور داشته‌اند، الواحی که در سال‌های قبل مورد بحث ما در همین مجمع واقع شد.

دو توقیع اول و دوم کتاب «نظم جهانی حضرت بهاءالله» (یا در ترجمه فارسی نظم جهانی بهائی) بیشتر معطوفند به مشغله خاطر دوره اول عصر ولایت، که همان نظم اداری و استقرار مؤسساتی چون ولایت امر، محافل ملی و محلی و امثال آن باشد. از توقیع سوم است که بمسائل جهان‌شمولی چون حکومت جهانی - وحدت عالم انسانی - اتحاد ملل و دول - و روشن‌شدن هفت شمع وحدت روی آور می‌شوند (سال ۱۹۳۱). و این تحول جهت فکری، ادامه دارد تا آخرین توقیع سنه ۱۹۳۶، که در آن تصویر مدنیت جهانی آینده از نظرگاه بهائی مطرح شده است. و در همین توقیع است که حضرت ولی امرالله عقیده خود را به سالخوردگی و فرسودگی نظام‌های کهن و نزدیک‌شدن ولادت یک تمدن جدید در ظل آئین جهانی حضرت بهاءالله عنوان می‌کنند و اصطلاحاتی چون درد زایمان و مرحله بلوغ و نظائر آن نگاه "ویتالیست" آن حضرت را بتاریخ تمدن نشان می‌دهد (ر.ک. مقاله‌ای از این بنده در کتاب *Visions of Shoghi Effendi* تحت عنوان *بینش تحول عمومی عالم در آثار حضرت شوقی افندی* -

بزبان فرانسه)، نگاهی که نزد متفکرانی چون اسوالد اسپینگر و پیتیریم سورکین و دیگران هم میتوان یافت.

توقیع نظم جهان‌آرای الهی در اثبات اصالت مؤسسات و تشکیلات بهائی است که از هیکل امرالله و اصول روحانی و انسانی آن جداشدنی نیست. توقیع ملاحظاتی بیشتر در باره نظم جهان‌آرای الهی باز بهمین موضوع اصالت تشکیلات و مؤسسات امرالله می‌پردازد که آنها را نباید بدعتی دانست که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء بر عالم بهائی تحمیل شده باشد. اصول تشکیلاتی حضرت بهاءالله خداداد است، در حالی که بنیانی که آباء کلیسا بعد از وفات حواری اول بنا نمودند ابدأ مبتنی بر دستور صریح حضرت مسیح نبود. در اسلام هم هیچ سند مکتوبی در باره جانشینی پیامبر و قضیه میثاق وجود ندارد، برخلاف امر بهائی. توقیع هدف نظم بدیع جهانی بحثی است در مورد ورشکستگی تمدن مادی غرب و این که سیر جبری حوادث عالم، بشریت را به سوی هدفی که حضرت بهاءالله از قبل تعیین فرموده‌اند سوق می‌دهد.

زامداران عالم نتوانسته‌اند سیستم‌های اقتصادی و دستگاه‌های سیاسی خویش را با حوائج این عصر سریع‌الانتقال هماهنگ سازند. مقتضای امروز حکومت جهانی، و تحقق وحدت عالم انسانی، و افروختگی هفت شمع وحدت است. توقیع عصر ذهبی امر بهائی اشاره به شکوفندگی امر الهی در آمریکا می‌کند و می‌فرماید حال آن یاران در این دوره پُرزحمت از تاریخ خود مترصد تحقق اهداف نقشه‌ای هستند [اشاره به نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء، که پنج سال بعد بموقع اجراء درآمد] که بالمآل بعصر ذهبی منجر خواهد شد. در خاتمه توصیه می‌فرمایند که اهل بهاء باید از شرکت در نقشه‌ها و برنامه‌های احزاب و دسته‌های سیاسی دوری جویند و به هیچ نظامی که مخالف مصالح وحدت جهانی، یعنی مقصد آئین بهائی، است خود را منسوب نسازند.

توقیع آمریکا و صلح اعظم ستایش از چهل سال اقدامات جامعه بهائی آن مملکت، علی‌رغم عدّه قلیل و تجربه مختصر است، و ضمن بیان اهمیت کشور آمریکا سخنان حضرت عبدالبهاء در سفر بممالک متحده را یادآور می‌شوند که فرموده بودند که امیدوارند که ملت آمریکا اول ملتی باشد که پایه امر توافق بین‌المللی را تأسیس کند و وحدت عالم انسانی و صلح عمومی را میسر سازد.

توقیع تولد مدنیت جهانی یا شکفته‌شدن مدنیت جهانی کلاً در مورد نظم جهانی حضرت بهاء‌الله و مقاصد آن است و وعده حصول بلوغ عالم انسانی و پیدا شدن یک جامعه جهانی و حاوی تصویر کاملی از مدنیت جهانی آینده است با تشکیل یک جامعه فدرال جهانی و برقراری یک حکومت بین‌المللی با قوای ثلاثه مقننه، قضائیه، و مجریه آن و بسط ارتباطات و مخابرات بین‌المللی سریع و اختیار یک زبان و خط بین‌المللی و یک نظام مشترک پول و اوزان و مقادیر و سایر بشاراتی که در نصوص مبارکه آمده است. "در چنان نظامی زور، خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسائی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان بر اثر جبر زمان و نیروهای وحدت‌بخش حیات، ناگزیر بسویش روان است."^۲

در مقابل نظریه متفکرانی که سیر عالم بمقصد نهائیش را بر خط مستقیم واحد unilinéaire می‌بینند (ادیان کلیمی و مسیحی و اسلام) و یا آن را به صورت ادواری cyclique مجسم می‌کنند (ادیان شرق آسیا، چون هندوی) بنظر می‌رسد که امر بهائی این حرکت را مقرون به نوسانات و شیب و فراز و حتی حلزونی می‌انگارد، چنان که از این عبارات مجموعه "نظم جهانی بهائی" استنباط می‌توان کرد:

^۲ در مورد توقعات مذکور، رجوع شود به «خوشه‌های خرمن ادب و هنر» - دوره ولایت - شماره ۱۱ - مقالات الهام افغان و سیروس علانی (۲۰۰۰م).

"دیگر عصر شیرخوارگی و کودکی بشر بسر رسیده و عالم انسانی حال به هیجان و التهابی دچار است که با سخت‌ترین دوره تکاملش، یعنی دوره بلوغش، ملازمت دارد، دوره‌ای که غرور جوانی و سرکشی‌اش بحدّ اعلیٰ رسیده بتدریج فروکش می‌کند و آرامش و معقولیت و متانت که مخصوص دوره بلوغ است بجایش می‌نشیند. سپس نوع بشر بمرحله رشد و کمال می‌رسد و قادر می‌شود بقوی، و قابلیت فائز شود که ترقیات نهائیش وابسته بآن است." (ص ۱۶۳ ترجمه قدیم)

"افسوس و دریغ که امروز فقط قوه بلیات و مصائب است که ظاهراً می‌تواند دوره جدیدی را در طرز فکر مردم جهان آغاز نماید. افسوس و دریغ که هیچ چیز بجز آتش سوزان امتحان و بلیات نمی‌تواند عوامل متضاد و متخاصمی را که اجزاء مرکبه تمدن امروزه ماست چنان در هم ذوب نماید و بهم جوش دهد که همه آنها را اجزاء مرکبه یک اتحادیه جهانی آینده گرداند." (همان، ص ۶۵)

حضرت ولی امرالله به یک دیالکتیک روحانی-تمدنی اعتقاد دارند که در میان دو نیروی متضاد نظم‌دهنده و نظم‌گسلنده در کار است و نتیجه آن البته تحقق نظم بدیع جهان‌آرای الهی و ظهور مدنیت جهانی است: "آن سیر سازنده بآئین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طلیعه نظم بدیع جهان‌آرایی است که بزودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد، و بالعکس این نیروی مخرب که نماینده آن سیر دیگر است وابسته بمدنیتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالنتیجه بکابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است." (همان، ص ۱۱۲)

۲- توقیع «ظهور عدل الهی»

چنان که گفته شد یک سال بعد از شروع نقشه اول هفت‌ساله آمریکا، این توقیع منیع خطاب باحبای آمریکا و کانادا صادر شد که در آن شرایط لازم را برای حصول پیروزی روحانی جامعه بهائی در ایفای مأموریت تبلیغی خود که فرامین ملکوتی حضرت عبدالبهاء بآن جامعه محول فرموده بیان می‌کنند، شرایطی از قبیل

تقوی- حسن اخلاق - عفت و عصمت - آزادی از تعصبات، بخصوص تعصب نژادی.

در مورد عنوان رساله، جای سؤال باقی است که تا چه اندازه محتویات این رساله را دربر می‌گیرد. در موضعی حضرت ولی امرالله اهمیت عدل را از منظر بهائی بیان می‌کنند و یادآور می‌شوند که اکلیل جلیل مؤسسات نظم بهائی بیت عدل الهی نامیده می‌شود و از حضرت عبدالبهاء نقل قول می‌فرمایند که "الحمدلله آفتاب عدل از افق بهاءالله طالع شد، زیرا در الواح بهاءالله اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال بخاطری خطور ننموده." اما موضوع عدل جز با نقل چند عبارت از جمال مبارک تشریح نشده و بطور ضمنی به بعضی از معانی عدل از جمله انصاف و عدالت در قضاوت، اعتدال در رفتار، اعطای کل ذی حق حقه، و قرار دادن هر چیز در موضع خود (مفاهیمی که فلاسفه قدیم یونان، از جمله افلاطون و ارسطو پذیرفته بودند) اشاره شده است، که البته تفصیلش را در لوح رضوانالعدل حضرت بهاءالله باید جست، که چند سال قبل در همین مجمع مطرح شد (در دسامبر ۲۰۱۳ این بنده موضوع عدالت را به تفصیل در کنفرانس لندن مطرح کرد که امید است امسال، ۲۰۱۴، نشر شود).

مجملاً چهارتم اصلی رساله مورد مذکور عبارتند از:

۱- نقشه هفت‌ساله احبای آمریکا.

۲- فضائل و کمالاتی که از افراد احباء در اجرای نقشه انتظار می‌رود.

۳- حال و آینده آمریکا.

۴- اشاره بان که امروز روز استقرار ملکوتالله علی الارض و روز ظهور عدل الهی است.

در این توقیع مبارک است که مراحل هفت‌گانه سیر امر مبارک از مجهولیت و مظلومیت تا رسمیت این آئین بیان شده است.

و هم در این توقیع صریحاً جنگ جهانی دوم پیش‌بینی شده است و همچنین احتمال قوی به اثرات نامطلوب این جنگ بر روی مؤسسات امرالله می‌دهند، و این البته در زمانی بود که تزییقات در آلمان، در عشق‌آباد، و تا حدی در ایران، وقوع یافته بود. هرچند حضرت ولی امرالله مشاغل عظیمه را در عالم پیش‌بینی فرموده‌اند، ولی در پایان با خوش‌بینی کامل در باره جامعه بهائی آمریکا می‌فرمایند که امیدوارند که جامعه آن کشور موفق به اجرای امور عظیمه‌ای گردد که صفحات تاریخ بدان زینت یابد. (گوئی در این جا موفقیت آن جامعه در طی نقشه ده‌ساله جهاد کبیر ۱۹۵۳ - ۱۹۶۳ پیش‌بینی شده است.)

ناگفته نماند که حضرت ولی امرالله باستناد بیانات حضرت عبدالبهاء آینده تابناکی را برای آمریکا پیش‌بینی فرموده و آن کشور را در تأسیس صلح عمومی و اتحاد بشری بسیار مؤثر دانسته‌اند. اما در عین حال فرموده‌اند که وصول به این نقش تاریخ‌ساز فقط پس از تطهیر آمریکا در آتش افتتانات شدید خواهد بود. نقل بخشی از بیان مبارک در این مورد سودمند خواهد بود:

"حال چون ملت آمریکا بمرور زمان و بنحو غیر قابل احترازی در مسائل و غوامض متنوعه که عالم بشریت را بشدت احاطه نموده کشانیده شده ناگزیر آتیۀ نزدیک آن تیره و با معطلات و ناراحتی‌های کثیره توأم خواهد بود، یعنی محن و آلام و شدائد و اسقام که حضرت بهاء‌الله بنحو صریح اخبار و اهل عالم را بدان انداز فرموده‌اند..." (ظهور عدل الهی (ترجمه جناب نصرالله مودت)، ص ۱۸۵). با پیش‌بینی جنگ جهانی دوم که یکسال بعد درگرفت حضرت ولی امرالله امیدوارند که آمریکا "با همکاری و معاضدت با سایر ملل و نحل عالم در شرق و غرب جهان، جامعه انسانی را از این بلاء عقیم و داء سقیم که از اول لاول دامنگیر نوع بشر بوده [یعنی جنگ] و آن را از ترقی در مدارج عزت و جلال ممنوع و بحضیض ذلت و هوان متنازل ساخته است نجات دهد و عالم خاک را از لوث منازعات و مخاصمات خانمان‌سوز بالمره پاک و منزّه نماید." (همان،

ص ۱۸۶). البته نقش آمریکا در خاتمه دادن به جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد پس از جنگ انکارناپذیر است، ولی انتظار هیکل اقدس چنان که از عبارات بعد استنباط می شود مشارکت در برقراری صلح عمومی و مؤبد جهانی و اتحاد و اتفاق بشر و آمادگی برای ارتفاع خیمه وحدت عالم انسانی است.

۳- توقیع «روز موعود فرا رسید»

توقیع قد ظهر یوم المیعاد (روز موعود فرا رسید) که در بحبوحه جنگ بین الملل دوم نوشته شده (۱۹۴۱) شامل پیشبینی های حضرت بهاء الله در باره بلایا و مصائب اهل ارض است، و در عین حال مستقبل درخشان عالم را به نقل از حضرت بهاء الله در بر دارد که "حال ارض حامله مشهود، زود است که آثار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعمای جنیه مشاهده شود."

در نتیجه گیری کتاب می خوانیم: "بلای جهان گیری که نوع بشر را فرا گرفته در مرحله اول نزول قضای الهی برای مردم غافل روی زمین است ... و مسئولیت مستقیم و هولناک و حتمی بعهده آن سلاطین و رؤسای دینی جهان است که در زمان حضرت باب و حضرت بهاء الله زمام امور سیاسی و مذهبی را در حیطه خود داشتند و به ستایش خدایان سه گانه دروغین یعنی ملیت و جنسیت (نژاد) و مرام اشتراکی پرداختند، پایه حکومت ملی را بمقام الوهیت رساندند، نژادهای دیگر دنیا را تابع نژاد واحد قرار دادند، و به ضعف ارکان دیانت دامن زدند." و البته این نزاع و جدال و سفک دماء منتهی خواهد شد به وقوع وعده حضرت بهاء الله که جمیع بشر بصورت خانواده واحد در خواهند آمد.

نسخه انگلیسی روز موعود فرا رسید (قد ظهر یوم المیعاد) در ۹۶ صفحه است و عناوین قسمت های مختلف آن گویای محتوای آن اثر گرانتقدر. شروع با این عنوان است: روز موعود فرا رسیده - روز داوری خدا - جواب مخاطبان حضرت

بهاء‌الله بندای ایشان چه بود؟ - مشخصات این درام پویا - دنیا خود را از او دور نگاه داشت ...

و عناوین آخر این‌هاست: عصر بزرگ آینده - دین و تحوّل اجتماعی - تابعیت بصورت وسیع‌تر و جامع‌تر (یعنی شهروندی جهانی)، جامعه مشترک‌المنافع جهانی.

از همین عناوین میتوان ملاحظه کرد که تکیه بیشتر روی الواح ملوک و سلاطین و خطاب جمال ابهی به پاپ اعظم و برّوسای دینی است و پیش‌بینی سرنوشت آنها، و بالاخره آینده درخشان عالم در حالت اتحاد عمومی نیز. حضرت ولی امرالله در این توقیع مهیمن در زیر عنوان مخاطبان پیام الهی متذکر می‌شوند که:

"نباید فراموش کرد که سلاطین ارض و رؤسای ادیان، مقدم بر جمیع طبقات دیگر، بطور مستقیم مخاطب بیانات حضرت باب و حضرت بهاء‌الله واقع شدند ... و شگفتی ندارد اگر کسی که سلطان سلاطین و قائم مقام نفس خداوند است وقتی متروک و موهون [مورد اهانت] و مظلوم واقع شود این پیشگوئی تحقیرآمیز را بفرماید که از دو طایفه عزت برداشته شد: امراء و علماء."

ولی خود حضرت ولی امرالله برای جلوگیری از هر سوء تعبیر می‌فرمایند: "هرچند که عتاب آن حضرت نسبت بسلاطینی که باو زجر و آزار رساندند شدید بوده ... ولی در عین حال تعالیم آن حضرت به هیچ وجه شامل اصولی نیست که مُدَلّ بر طرد و یا حتی بطور ایما و اشاره مشعر بر اهانت نسبت بمقام سلطنت باشد."

ترجمه فارسی استنسیل‌شده این توقیع فاقد نام مترجم است. اجمالاً باید گفت که دو بخش مفصل توقیع عبارتند از (۱) شرح احوال ملوک و بخت‌برگشتگی و ذلّت سلاطین و (۲) ویرانی مبادی دینی چه در دنیای اسلام و چه در دنیای مسیحی و عواقب آن.

توقیع روز موعود فرا رسید حاوی صفحاتی چند در آخر (صص ۱۱۶ - ۱۲۴)^۳ در باب تصویر نظم بدیع حضرت بهاءالله است مشابه آنچه در آخرین توقیع نظم جهانی حضرت بهاءالله آمده بود زیر این عناوین:

- هدف و مقصد خدا
- عصر بزرگی که در پیش است
- دین و تحول اجتماعی (عالم)
- شهروندی جهانی یا وفاداری بمقیاسی وسیع تر
- جامعه متحد عالمگیر

که فشرده مطالب هر یک را چنین می توان عرضه کرد:

«هدف و مقصد خدا» حاوی نصوص متعددی از جمال ابهی است در مورد تیرگی وضع در زمان حال و زمان نزدیک و بعد تحول اوضاع در آینده در جهت برقراری نظم نوین و صلح عمومی و تحقق وحدت جامعه بشری. «عصر بزرگی که در پیش است» همان بشارت بلوغ عالم انسانی بعد از دوره صباوت و دوران متلاطم نوجوانی و جوانی است، عصری که در گذشته به نام آخرالزمان تسمیه شده بود، یعنی عصر استقرار یک جامعه متحد جهان شمول، پس از دوره حاکمیت ملی، که همان عصر طلایی در سیر اجتماعی بشر است و همراه با این دوره بلوغ روی خواهد داد.

انسان خواهد توانست سجایا و توانائی های تازه ای را از خود بعرضه ظهور آورد و در آن عصر فرخنده به سطوح والاتری از تکامل اخلاقی دست یابد.

«دین و تحول اجتماعی» یاد آور می شود که در ظهور حضرت مسیح تأکید روی رستگاری فردی و اصلاح رفتار او بود و نیل فرد بمرتبه بالائی از حُسن خُلق، اما در انجیل اشاره ای بوحدت ملل و وحدت امم نیست. مخاطب حضرت مسیح

^۳ نسخه چاپ آمریکا در سال ۱۹۸۰.

افراد انسانی بودند در زمانی که هنوز بخشی از سرزمین‌های عالم مکشوف و معروف نبود، و حال آن که خطاب حضرت بهاء‌الله به کل بشریت است، یعنی هدف رجعت مسیح، احیاء و اعلاء و اصلاح سراسر نوع انسان خواهد بود، یعنی برقراری ملکوت الهی بر کرهٔ خاکی. "صلح عمومی در زمان حضرت مسیح مجری نشد، اما در این دور بدیع جهان دیگر گردد و عالم انسانی در کمال زینت و آسایش جلوه نماید. نزاع و جدال و قتال بصلح و راستی و آشتی مبدل خواهد گشت." (مفاوضات مبارکه، ص ۴۸)

و البته حضرت بهاء‌الله در زمانی ظهور فرمودند که امکان ارتباط و مخابره بین همهٔ مناطق جهان بوجود آمده بود و به تبع آن وفاداری فرد فقط به جامعه و حکومت محلی-ملی محدود نخواهد بود، بلکه گسترش به سراسر عالم خواهد یافت و شهروند جهانی پدیدار خواهد شد.

و بالاخره در پایان این بحث، وعده آن است که از درون آشفستگی‌ها و ویرانی‌های کنونی، جامعهٔ مشترک‌المنافع جهانی آینده بظهور خواهد رسید، و بر اهل بهاء است که بتمام قوی به تقویت و تسریع نیروهائی که عالم را لزوماً بآن مقصد والا سوق می‌دهد یاری کنند.

۴- توقیع «دور بهائی»

نظر به اهمیت استثنائی توقیع دور بهائی (۱۹۳۸) در بیان معتقدات اصلیهٔ اهل بهاء و قضیهٔ میثاق خلاصهٔ آن را بصورتی ساده در این جا ارائه می‌کند:

۱- با همهٔ عظمت و جامعیت، امر مبارک داعیهٔ آن را ندارد که "ظهور مشیت و ارادهٔ الهیه باو ختم گشته." (ص ۳۴)

۲- حضرت باب دارای دو مقام بودند، یکی مبشر جمال مبارک، (من یظهره‌الله) و دیگری بنیادگذار شریعت جدید.

۳- دوران کوتاه امر حضرت باب و محدودیت دائره اجرای احکام و فرائض آن حضرت نباید بهیچ وجه میزان سنجش حقانیت و عظمت امر آن حضرت قرار گیرد. (ص ۴۳)

۴- حضرت بهاءالله در حق حضرت باب می فرماید: انبیای اولو العزم هر کدام موفق شدند به یک کتاب، ولی از قلم حضرت باب "اینقدر نازل شده که هنوز احدی احصاء ننموده." (ص ۴۵)

۵- حتی حضرت بهاءالله تصدیق می فرماید که "قدرش اعظم از کل انبیاء و امرش اعلیٰ و ارفع از عرفان و ادراک کل اولیاء است." (ص ۴۴)

۶- اما در باره حضرت عبدالبهاء، نسل حاضر نمی تواند به "هویت و مقام آن حضرت که نه فقط در ظهور حضرت بهاءالله، بلکه در سراسر تاریخ ادیان مقام فرید و وحیدی را داراست" پی برد. (ص ۵۳)

۷- حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق جمال ابهی و مبین کلمات آن حضرت هستند و هرچند مقام مظهر ظهور الهی را ندارند ولی کتاب اقدس و کتاب عهد و سوره غصن " به حضرت عبدالبهاء قدرت و اختیاری عنایت می کند که نسل حاضر هرگز نمی تواند کما ینبغی و یلیق باهمیت و معنی آن پی برد." (ص ۵۷)

۸- لقبی که حضرت بهاءالله بعنوان سرالله بحضرت عبدالبهاء مرحمت فرمودند "حاکی از آن است که چگونه خصوصیات و صفات بشری با فضائل و کمالات الهی در نفس مقدس حضرت عبدالبهاء مجتمع و متحد گشته است." (ص ۵۸)

ولی "به هیچ وجه این خطاب نباید عنوان رسالت آن حضرت قرار گیرد" و هرگز نباید تصور شود که آن حضرت "مقامی مطابق یا مماثل با مقام آب جلیش که نفس مظهر ظهور است دارا می باشد." (ص ۶۲)

۹- "حضرت عبدالبهاء از جمله مظاهر الهیه نیستند، بلکه مستقیماً از شارع و مؤسس امر بهائی اقتباس نور و الهام و فیض می فرمایند و بمثابة مرآت صافیة کامله، انوار عظمت و جلال حضرت بهاءالله را منعکس می کنند." (ص ۶۷)

۱۰- در فصل مربوط به نظم اداری، حضرت ولی امرالله از مقام و وظائف دو رکن اساسی این نظم، یعنی ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم سخن می‌گویند. هم قضیه عهد و میثاق و هم موضوع نظم اداری امرالله در ادیان گذشته بی‌سابقه است و خود این دو ضامن وحدت پیروان امر حضرت بهاءالله است.

۱۱- ولی امرالله مبین آیات‌الله است و بیت‌العدل واضع احکام غیرمنصوصه و هدف مشترک آن دو مؤسسه حفظ وحدت اهل بهاء و اصالت و جامعیت تعالیم جمال ابهی و تشریح قوانین غیرمنصوصه به مقتضای زمان است. اختیارات و وظائف این دو مؤسسه مکمل یکدیگر است و در عین حال "هیچ یک از این دو نمی‌تواند به حدود و حقوق مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود." (ص ۸۲) یعنی نه بیت‌العدل کار تفسیر و تبیین را به عهده خواهد گرفت و نه بیت‌العدل از وضع قوانین غیرمنصوصه بحکم ولی امر محروم خواهد شد. "ولی امر مبین منصوص است و جز به سمت عضویت بیت‌العدل واضع قانون نتواند بود." (ص ۸۳)

۱۲- حضرت ولی امرالله تصریح می‌فرمایند که "هرچند ولی امر حائز لیاقت و مصدر امور مهمه باشد هرگز نباید بمقام فرید مرکز میثاق [یعنی حضرت عبدالبهاء] ترفیع داده شود. (ص ۸۴)

۱۳- نظم اداری امر را با هیچ یک از نظامات متنوعه عالم نمی‌توان مقایسه کرد. از همه انظم دیگر ممتاز است و قابل اشتباه با نظامات دموکراتیک، اریستوکراتیک، یا تئوکراتیک نیست.

۱۴- "صخره‌ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابتة الهیه برای عالم انسانی در عصر حاضر است" (ص ۹۵) و این نظم اداری محور و الگوی نظم بدیع جهانی آینده خواهد بود، یعنی نظمی که شعارش وحدت عالم انسانی و علمش صلح اعظم است و ناچار عدالت یکی از ارکان عمده آن خواهد بود.

مناع و مآخذ مورد توصیه

چند تن از محققان غربی کتبی در معرفی و تشریح توقیعات مذکور (زبان انگلیسی) نوشته‌اند که ذیلاً بآنها ارجاع می‌شود:

- 1) Study Outlines and Aids for the World Order Letter of Shoghi Effendi, 1940.
- 2) P. Khan – Study Guide to the “Promised Day Is Come”, 1967.
- 3) H. Holley – A Study Guide to the World Order of Bahá’u’lláh, 1974.
- 4) D. Allen – Study Guide to “The Advent of Divine Justice”, 1984.
- 5) M. Bergsmo – Studying the Writings of Shoghi Effendi, 1991.
- 6) J. McLean – A Celestial Burning: A Selective Study of the Writings of Shoghi Effendi.